

## بررسی عوامل بروز قتل در شهرستان سیرجان

راضیه عباسلو<sup>۱</sup>، رضا افشار جهانشاهی<sup>۲</sup>، فاطمه عضدی<sup>۳</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۱/۲۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۳/۲۵

### چکیده

زمینه و هدف: قتل یکی از جدی‌ترین انواع جرایم خشن است که خسارت‌های جبران ناپذیری را بر قاتل، قربانی خانواده‌ها و اعضای اجتماع محلی وارد و احساس امنیت اجتماعی را خدشه دار می‌سازد. از این رو هدف این تحقیق بررسی عوامل بروز قتل در شهرستان سیرجان طی سال ۱۳۹۹ است.

روش: روش به کار رفته در این تحقیق از لحاظ ماهیت کاربردی و از نوع تحقیقات کیفی است. جامعه آماری مورد مطالعه در این تحقیق بر اساس روش دلفی (۵ تا ۲۰ نفر) تعداد ۶ نفر از کارشناسان و متخصصان شهرستان سیرجان (جامعه شناس، روانشناس، حقوق و کارشناس انتظامی)، به عنوان جامعه آماری این تحقیق در نظر گرفته شده است که کار مصاحبه تا زمان اشباع نظری ادامه یافته است. داده‌های کیفی از طریق مصاحبه نیمه ساختار یافته با استفاده از روش تئوری زمینه‌ای جمع‌آوری و پس از پیاده‌سازی، با استفاده از روش نظری، کدگذاری تا به یک نظام مقوله‌ای دست یابد.

نتیجه: یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد بیشترین علت گسترش این پدیده مربوط به بعد فرهنگی با ۳۰٪ درصد و کمترین آن ۲٪ درصد مربوط به مولفه انتظامی می‌باشد. همچنین نتایج تحقیق نشان می‌دهد مهم‌ترین عوامل تأثیر گذار در وقوع قتل عبارتند از: ۱. عدم آگاهسازی از پیامد آسیب‌های اجتماعی سوء مصرف مواد مخدر و مشروبات الکلی در مناطق آسیب‌پذیر شهرستان؛ ۲. ضعف نظارت بر تولید و کیفیت کالاهای فرهنگی و رسانه‌های جمعی؛ ۳. عدم آموزش و پرورش مسئولانه و ضعف نظارتی دقیق آموزش بر روند تحصیل دانش آموزان؛ ۴. ضعف فرهنگ سازی در بین اقشار مختلف جامعه در رابطه با افزایش سطح تحمل و داشتن روحیه گذشت می‌باشد.

کلید واژه: قتل، جرم، خشونت، شهرستان سیرجان.

<sup>۱</sup> - کارشناس مشاوره و راهنمایی، مشاور و مددکار فرماندهی انتظامی استان شهرستان سیرجان، (نویسنده مسئول). تلفن: ۰۹۱۳۳۷۳۱۳۹۷۶ - r.abbasloo@yahoo.com

<sup>۲</sup> - کارشناس ارشد مشاوره، معاون اجتماعی فرماندهی انتظامی استان شهرستان سیرجان، تلفن: ۰۹۱۳۳۷۹۱۶۱۰

<sup>۳</sup> - دانشجوی کارشناسی ارشد روانشناسی عمومی، مشاور و مددکار فرماندهی انتظامی استان شهرستان سیرجان، تلفن: ۰۹۱۳۳۷۹۸۹۰۰ - alisan.r.t@gmail.com ایمیل:

## مقدمه و بیان مسئله

از نظر جامعه شناسی انحرافات قتل یک مسئله اجتماعی تلقی می‌شود. زیرا مسئله اجتماعی براساس ارزش‌ها و هنجارهای حاکم بر جامعه به عنوان وضعیتی نامطلوب و مضر شناخته می‌شود که افراد جامعه را تهدید می‌کند. مسائل اجتماعی پدیده‌هایی هستند که از هم گسیختگی اجتماعی و تضاد اجتماعی را به همراه دارند و به عنوان یک مسئله اجتماعی در مقوله انحراف اجتماعی ظهور و شکل می‌گیرد.

در تعیین قلمرو قتل در جامعه شناسی انحرافات می‌توان گفت که قتل یکی از انواع جرایم خشونت آمیز است که در آن آسیب رساندن و صدمه وارد نمودن با هدف نابودی جسمانی و تباہ ساختن و از بین بردن افراد خاص است. سلب حیات یک انسان نخستین آسیب جبران ناپذیری است که در حائۀ قتل اتفاق می‌افتد. جامعه ایرانی با فرهنگ مملو از مهر و محبت به خانواده جایگاه ویژه‌ای را برای این کانون اجتماعی در نظر گرفته است. اما مدتی است که قتل‌های خانوادگی و خشونت‌های موجود در خانواده چنان افزایش یافته که کمتر روزی است که صفحه حوادث روزنامه‌ها به خشونت‌های خانگی نپردازد. شاید در جرایم دیگر برخی خسارات را بتوان جبران کرد و دوباره به حالت اولیه بازگرداند اما وقتی جان یک انسان گرفته می‌شود نمی‌توان این حادثه دلخراش را به گونه‌ای دیگر رقم زد. پس از آن بستگان و خانواده قربانی درگیر این حادثه تلخ می‌شوند. حتی گذشت شاکی نیز نمی‌تواند سوء سابقه قاتل را پاک کند و از بین ببرد. او و خانواده‌اش برای همیشه باید زیر نگاه تحقیر آمیز جامعه زندگی کنند. گاهی هم وقوع قتل در یک خانواده باعث ادامه اختلافات و نزاع می‌شود. علاوه بر این تشدید احساس ناامنی از وقوع یک قتل برای خانواده‌ها به خصوص کودکان و نوجوانان از تبعات سنگین قتل خواهد بود. مردان بیشتر قربانی قتل هستند و زنان بیشتر درگیر قتل‌های خانوادگی می‌شوند و به دست

وابستگان خود به قتل می‌رسند. جوانان به واسطه عدم تجربه کافی و روحیاتی که جهت رسیدن به امیال خود در کوتاه‌ترین و آسان‌ترین روش دارند با توجه به این که این مهم در تمامی مراحل قابل وصول نیست به سرعت دستخوش تغییرات روحی و روانی شده و دست به واکنش‌هایی می‌زنند که از میان آن‌ها قتل رانام برد. امروزه جامعه شناسان با رویکردی نوین، رفتارهای انحرافی و از جمله ارتکاب به قتل را کشمکش بین فرد و جامعه قلمداد می‌کنند (نجفی توانا، ۱۳۸۶: ۹). چنین رفتار منحرفی به عنوان مسئله‌ای اجتماعی امری جدی و اجتناب ناپذیر است و تأثیرات نامطلوبی بر روی سلامت افراد و امنیت جامعه بر جای می‌گذارد. چنین بر می‌آید که بیشتر افراد جامعه، این نوع رفتار را زشت می‌دانستند. در حقیقت کسانی این رفتار را زشت می‌دانند که درحین انجام آن گرفتار می‌شوند. (کارولین، ۱۳۵۳: ۷۵). تفاوتی اساسی بین رفتارهای غیرمدنی و جرم وجود دارد؛ چراکه جرم در نتیجه نقص قانون اتفاق می‌افتد و هیچ امری را نمی‌توان جرم دانست، مگر آنکه به موجب قانون برای آن مجازات یا اقدامات تأمینی و تربیتی تعیین شده باشد. بنابراین یکی از عواملی که باعث فرسایش در احساس آرامش و آسیب زایی برای جامعه‌ایمن می‌شود، وجود جرم و زمینه‌های شکل‌گیری آن است. (رفیع پور ۱۳۸۰) علل و انگیزه‌های متفاوتی، از قبیل زمینه‌های خانوادگی، سن، محل زندگی محیط جغرافیایی، وضعیت اقتصادی و از همه مهم‌تر شکست‌های اجتماعی در وقوع جرم نقش دارند؛ اما در زمینه جرایم خشن و خشونت بار می‌توان به نزاع‌های فردی - جمعی، سرقت مسلحانه، تجاوز به عنف، زورگیری و قتل اشاره کرد که بسته به درجه و شدت، هریک از این عوامل به تنهایی یا به شکل ترکیبی می‌توانند بر وقوع جرایم خشنونت بار اثرگذار باشند (لبیسی، ۱۳۸۷: ۳۲). در واقع شدیدترین عمل خشونت بار قتل است که به معنای کشتن یک

شخص توسط شخص دیگر می‌باشد؛ به عبارت دقیق تر جان کسی را عمداً و به طور غیرقانونی گرفتن است با وجود اینکه احتمال به قتل رسیدن، در مقایسه با سایر جرایم خشن کمتر است؛ اما این جرم خطرناک‌ترین و جدیت‌ترین نوع جرم است؛ زیرا آسیب واردشده بر قربانی به هیچ روی قابل جبران نیست و هزینه‌های بیشتری را بر افراد و جامعه تحمیل می‌کند (صدیق سروسستانی، ۱۳۸۷: ۱۲۴-۱۲۵).

ماهیت و شدت جرایم در جوامع مختلف، متفاوت است و از اوضاع فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی آن جامعه تأثیر می‌پذیرد. به جز انگیزه‌های روانی و ذهنی مؤثر بر جرایم، سایر انگیزه‌های اقتصادی - اجتماعی نیز بر وقوع جرایم مؤثر هستند. البته، جامعه بدون جرم، جامعه‌ای ایده آل و آرمانی است، نشان می‌دهد که میزان جرایم منتهی به قتل در سال‌های اخیر افزایش یافته است، که تأثیر منفی بر سلامت جسم و روان فرد و درک از خود برجای می‌گذارد. آمارها نشان می‌دهند در ایران نیز جهش ناگهانی خشونت در شهرهای بزرگ نسبت به گذشته خودنمایی می‌کند. در فاصله سال‌های ۱۳۶۷ تا ۱۳۸۲ در ایران، تعداد زندانیان جرم و جنایت سه برابر شده است. اما علی‌رغم فعالیت‌های صورت گرفته در این زمینه توسط برخی از سازمان‌های متولی در بعد پیشگیری از این معضل آمارها حاکی از روند رو به تزاید ارتکاب این جرم در سطح استان و به خصوص شهرستان سیرجان می‌باشد. در این راستا گزارش حاضر در صدد است تا به بررسی «عوامل مؤثر در وقوع قتل در شهرستان سیرجان» بپردازد.

آنچه بر اهمیت و ضرورت تحقیق می‌افزاید این مطلب است که قتل به عنوان نوعی خشونت، یکی از کجروی‌های عمده در جهان امروز است که ماهیتی اجتماعی داشته و بیشتر در تعاملات بین شخصی و گروهی صورت می‌گیرد و امنیت اجتماعی افراد و گروه‌ها را مورد تهدید قرار می‌دهد. بنابراین انحرافات اجتماعی به مفهوم رفتارهای

کجروانه و ناهمنوا با ارزش‌های اجتماعی، از یک سو موجب اختلال کارکردی در عرصه فرهنگ و اجتماع گردیده و از سوی دیگر مانع تحقق اهداف امنیتی از بعد فرهنگی می‌گردد؛ لذا اهمیت دارد به معضل انحرافات اجتماعی به عنوان پدیده‌ای خاص که به تهدید امنیت اجتماعی منجر می‌شود توجه گردد. پیمایش ملی جامعی در زمینه خشونت از جمله قتل در ایران انجام نگرفته است ولی بر اساس اطلاعات بدست آمده از فراتحلیل منابع موجود و نتایج اولین همایش آسیب‌های اجتماعی می‌توان گفت که ارتکاب به قتل یکی از آسیب‌ها و کجروی‌های عمده در ایران به شمار می‌رود. آمارهای مربوط به جرایم در کشور و علی‌الخصوص استان کرمان شهرستان سیرجان حاکی از روند رو به رشد جرایم در بین افراد جامعه است. علاوه بر آن در حاشیه شهر سیرجان شاهد شکاف طبقاتی ناشی از مهاجرت یا تفریح افراد پولدار هستیم که در حاشیه شهر مثل روستای کران یا پاریز اقدام به سرمایه‌گذاری و ساختن باغ‌هایی کرده‌اند و افرادی که با حداقل‌ها در این مناطق زندگی می‌کنند احساس بی‌عدالتی شدیدی دارند که می‌تواند اهمیت موضوع را به عنوان پدیده‌ای مسئله‌ساز نمایان سازد. این وضعیت با وجود داشتن آثار مثبت از قبیل توسعه روابط فردی، فرهنگی و اجتماعی می‌تواند موجب تقویت اختلافات، نزاع‌ها و کشمکش‌های اجتماعی شود و انسجام و روابط اجتماعی را به خطر بیندازد؛ همچنین این پدیده به دلیل اینکه به عمر انسان یا انسان‌هایی خاتمه می‌دهد و خسارات جبران‌ناپذیری وارد می‌سازد بسیار مهم است و برای جامعه ضایعه محسوب می‌شود و با توجه به سیر صعودی آمار قتل‌های اتفاق افتاده در شهرستان سیرجان ضرورت دارد که نسبت به بررسی عوامل موثر بر ارتکاب به قتل توجه جدی صورت گیرد. این گزارش بر آنست تا ضمن شناخت و آگاهی از وضعیت قتل در شهرستان سیرجان به عوامل مختلف ارتکاب آن در بین شهروندان پرداخته و با برنامه‌ریزی صحیح راه‌های پیشگیری از این پدیده اجتماعی و

مقابله با آن را که از نظر فرهنگی، اجتماعی و سیاسی به مثابه یک معضل و آسیب جلوه گر می‌شود، بپردازد.

### پیشینه و مبانی نظری

قتل عبارت است از هرگونه تجاوز فیزیکی علیه هستی انسان که با هدف آسیب، رنج و صدمه همراه باشد و با هدف نابودی جسمانی، تباه ساختن و از بین بردن فرد یا افراد انجام گیرد اطلاق می‌شود. از قتل به عنوان قتل نفس یعنی جان کسی را به صورت عمد و غیرقانونی گرفتن نیز یاد می‌کنند (بوستانی، ۱۳۹۸: ۱۴).

قتل نفس که در حال حاضر و در قوانین جدید به صورت جرم عمومی درآمده و قضات به نام حفظ منافع اجتماعی و برقراری نظم جامعه مرتکبین قتل را تعقیب می‌نمایند از خطرناک‌ترین جنایات و بزرگ‌ترین جرائمی است که سابقه تاریخی آن از همه جرائم بیشتر بوده و در کلیه شرایع یا قوانین باستانی پیرامون آن بحث شده است. قرآن مجید نخستین تعدی و تجاوز انسان را بر انسان به صورت قتل نفس یادآور شده و همین جنایت را منشأ و اساس اولین تشریح جنایی در نخستین ادوار زندگی اجتماعی انسان‌های اولیه نشان می‌دهد (قرآن مجید، آیات ۲۷ تا ۳۲ سوره مائده).

قتل از نظر لغت شناسان ایران، مأخوذ از ریشه عربی و به معنای کشتن (دهخدا، ۱۳۷۳: ۱۶۲)، آمیختن شراب با آب، شکستن و کاستن از شدت سرما و گرسنگی نیز هست. اصل قتل، ازاله‌ی روح از بدن می‌باشد.

در منابع عربی به جای واژه قتل، قصاص را بکار برده اند که معتقدند قصاص یعنی دنبال کردن و پیگیری نمودن نشانه و اثر چیزی را گویند و قصاص دنبال کردن خون با مجازات است (نوکنده ای، ۱۳۹۲: ۱۲) و قتل با مد نظر قراردادن معنی لغوی اسم مصدر قتل (کشتن)، همان خارج کردن روح از بدن انسان دیگر با قصد و اراده است.

درفقه هم قتل ازسوی فقها به صورت مستقل تعریف نشده و تعاریفی که شده بیان موجبات قصاص بوده است. مفهوم لغوی قتل همیشه جرم نیست و تنها معنای اصطلاحی آن جرم است.

خشونت به هر نوع استفاده از زور و فشاری اطلاق می‌شود که توسط یک یا چند عامل اجتماعی در جهت تحمیل آسیب بدنی به کار می‌رود. البته مطالعه خشونت در دهه‌ها اخیر گسترش مفهومی قابل ملاحظه‌ای پیدا کرده که از جدال قدرت بین دولت‌های مدرن تا اجتماعات کوچک را در بر می‌گیرد. (سیلز، ۱۹۹۸: ۶۲۲)

### بررسی وقوع قتل از بعد انتظامی قضایی

یکی از مهم‌ترین عواملی که باعث اخلال در امنیت جامعه می‌شود قتل است. عده‌ای از نظریه پردازان بر این باورند که افراد هنجار شکن نقش موثری در وقوع آن دارند که به دلایل مختلف نتوانسته‌اند خود را با مقتضیات اجتماعی و هنجاری وفق دهند. قتل از یک طرف به اصل مصونیت و عدم اعتراض به حیات انسانی که عزیزترین ودیعه است لطمه می‌زند و از طرف دیگر امنیت و انتظام در شهرستان را متزلزل می‌کند. پس از وقوع هر قتلی احساس ترس و ناامنی جامعه را فراگرفته، احساسات و عواطف مردم شدیداً جریحه دار شده و یک صدا خواهان مجازات سریع و بی‌قید و شرط جانی می‌شوند. با توجه به تأثیرات نامطلوب این جرم، سلب امنیت و آرامش جامعه و برهم زدن نظم عمومی، از گذشته‌های دور تاکنون همواره شدیدترین مجازات برای این جرم پیش بینی شده است. بنابراین با توجه به مسئولیتی که ناجا به عنوان ضابط قضایی در پیشگیری و برخورد با جرایم، مجرمان و کشف جرم دارد می‌تواند با هر گونه تغییر در محیط و جامعه که جرایم را

تشدید کند، برخورد و آن را تحت بررسی قرار دهد و با شناسایی عوامل آن، در راستای وظایف خود جهت پیشگیری یا کشف آن برخورد مناسب را انجام دهد.

بر حسب ماده ۱۳۰ ق. آ. د. ک، کارآگاهیاران تشخیص هویت، کارآگاهان نیروی انتظامی دو عنصر مهمی هستند که حضور آن‌ها در بررسی صحنه قتل الزامیست. برابر عرف و رویه قضایی و همچنین با نگاهی به وظایف قانونی ناجا و دستورالعمل‌های موجود در پلیس آگاهی، مهم‌ترین وظیفه گروه موصوف را می‌توان ثبت و ضبط صحنه قتل عنوان نمود. مراد از ثبت و ضبط صحنه قتل در حقیقت انجام مجموعه اقداماتی است که منجر به: ارزیابی و بررسی صحنه قتل، مستندسازی محل و صحنه قتل، تشخیص قتل از خودکشی در بررسی صحنه قتل، تشریح صحنه، تعیین شیوه بررسی صحنه قتل، جمع آوری دلایل و شواهد وقوع جرم، نمونه برداری از آثار بجا مانده در صحنه، بازسازی اولیه صحنه قتل می‌شود. اگر بخواهیم نخستین وظیفه پلیس را در صحنه قتل دسته بندی کنیم می‌توان دسته بندی زیر را پیشنهاد داد: اطلاع وقوع قتل به دادستان و باز پرس جنایی و انجام اقدامات قانونی، اقدام اولیه برای یافتن و کشف جسد، آغاز بررسی‌های مقدماتی مثل تعیین نوع جنایت و تشخیص تعدد یا وحدت متوفی و بالاخره تعیین وحدت یا تعدد صحنه جرم.

#### پیشینه

- یافته‌های یک کار پژوهشی، تحت عنوان «مطالعه برخی خصوصیات قتل در مرتکبین قتل مبتلا به اختلالات روانی معاینه شده در بخش روانپزشکی در سازمان پزشکی قانونی کشور از ۱۳۷۴ تا ۱۳۷۶» (توفیقی و دیگران: ۱۳۸۲) نشان داد شایع‌ترین نوع اختلال، سایکوزهای غیرخلقی بوده‌اند، فقط در ۳۹ درصد موارد دلیلی بر عدم مسئولیت کیفری در زمان ارتکاب قتل بدست آمده است. یافته‌ها همچنین نشان دادند تشخیص نهایی در ۳۲



درصد بیماران سایکوزهای غیرخلقی، ۳۳ درصد نوروها، ۱۳ درصد اختلالات شخصیتی، ۱۳ درصد اختلالات خلقی، ۵ درصد عقب ماندگی ذهنی، و ۴ درصد صرع بوده است.

- در پژوهش دیگری (نجفی ابرندآبادی و دیگران، ۱۳۹۴) در استان فارس، انگیزه‌های مختلف قتل و عوامل مرتبط با آن طی سال‌های ۱۳۸۱ تا ۱۳۹۰ مورد بررسی قرار گرفته است. روش مطالعه، مقطعی-توصیفی بوده و اطلاعات اطلاعات تمام کسانی که طی دوره یاد شده به قتل رسیده‌اند به کمک پرسشنامه جمع آوری گردید. از تعداد کل مقتولان (۲۱۹۰ نفر)، ۸۴ درصد مرد، و ۱۶ درصد زن بودند. بیشترین و کمترین شیوع قتل به ترتیب مربوط به گروه‌های ۲۰-۲۹ ساله و ۶۰-۶۹ ساله بود. تقریباً ۴۸ درصد مقتولان متأهل بودند. تحلیل یافته‌ها نشان داد شایع‌ترین علت و انگیزه قتل در مواردی که توسط اولیای دم ابراز گردیده بود، ۴۷۳ نفر (۳۴ درصد) درگیری و نزاع ناشی از حالات غیرطبیعی پس از مصرف الکل یا مواد مخدر بود. ۱۳۰۳ نفر (۵۹ درصد) در صحنه جرم به قتل رسیده و ۳۰۲ نفر (۱۳ درصد) حین انتقال به مراکز درمانی و ۴۷۵ (۲۲ درصد) نیز در مرکز درمانی فوت شده بودند.

- افتخاری و دیگران (۱۳۸۴) به بررسی روش‌ها و انگیزه‌های مختلف قتل در تهران بزرگ و عوامل مرتبط با آن از اول مهر ۱۳۸۲ تا آخر شهریور ۱۳۸۳ پرداخته‌اند. در این پژوهش، کلیه مقتولین شهر تهران، (۳۴۷ نفر) در نیمه دوم سال ۱۳۸۲ و نیمه اول سال ۱۳۸۳ بررسی گردید. یافته‌ها نشان داد بیشترین انگیزه قتل، نزاع‌های منجر به قتل (۳۵ درصد) و کمترین انگیزه لواط (تقریباً ۲ درصد) بوده است. تقریباً ۵۴ درصد قتل‌ها با اسلحه سرد اتفاق افتاده و شایع‌ترین اسلحه سرد نیز چاقو بوده است. یافته‌ها همچنین نشان داد که بین سن، جنس، وضعیت تاهل، وضعیت اعتیاد، اشتغال ملیت مقتولین و قتل

رابطه معنی داری وجود دارد. در واقع، اکثر مقتولین مذکر، در سنین جوانی و میانسالی بوده‌اند.

- یافته‌های تحلیلی قتل سریالی در قزوین عبدالرحمانی و چگینی (۱۳۹۴) نشان می‌دهد که ویژگی‌های خانوادگی قاتل نقش موثری در بروز این پدیده داشته است. این ویژگی‌ها عبارتند از: وضعیت خانوادگی نابسامان و وجود اختلافات آزاردهنده میان برخی از اعضای خانواده، وجود سابقه اعتیاد و خشونت در بین اعضای خانواده و بستگان (پدر و همسر)، عدم حمایت خانواده در ادامه تحصیل و در نتیجه سرخوردگی در جامعه، عمق یافتن احساس انتقام جویی به سبب سرکوب عواطف و هیجانات از سوی خانواده در دوران کودکی، وجود مشکلات متنوع اقتصادی و معیشتی درون خانواده به عنوان عامل شتاب دهنده قتل‌ها. تحلیل پایگاه اقتصادی-اجتماعی قاتلان نشان داد که آن‌ها از در سطح پایینی از طبقات اجتماعی قرار داشته‌اند. یافته‌ها همچنین نشان می‌دهد که خانواده‌های قاتلان سریالی سابقه برخی انحرافات اجتماعی نظیر سرقت، تن فروشی، فروش مواد مخدر و غیره را جهت کسب درآمد داشته‌اند. یافته‌ها همچنین نشان دادند که قاتل سریالی، همبستگی و پیوند ضعیفی با جامعه داشته است. تحلیل شرایط محیطی و جغرافیایی مجرمان نشان می‌دهد که در محله‌های زیت این افراد معمولاً برق رسانی، آموزش و پرورش و مدارس و گذاران اوقات فراغت وضعیت مناسبی نداشت و فاقد یک رابطه ارگانیک با سایر محله‌های شهر بود. فرهنگ و سبک زندگی ساکنان این محله قاتل، از فرهنگ بقیه محل‌های شهر فاصله داشت و فاقد مشارکت عمومی ساکنان بوده است. میزان فقر بالا بوده و ساکنان را هم مهاجران با خرده فرهنگ‌های متفاوت تشکیل می‌داده‌اند. نهادهای رسمی و غیررسمی کنترل اجتماعی از قبیل پلیس و شهرداری نیز عملکرد ضعیف و ناکارآمدی داشتند.

- یافته‌های نصیری و دیگران (۱۳۹۲) پیرامون دلایل قتل در استان اصفهان در میان ۱۷۶ نفر از مرتکبین قتل، نشان می‌دهد که بیشتر محکومین قتل عمد سابقه کیفری، سابقه بیمار روانی، سابقه خانوادگی جرم و مصرف مواد نداشته، فارسی زبان بوده و جرم بیشتر در فصل زمستان، در خانه و در مناطق شمالی شهر اصفهان وقوع یافته است. پژوهش‌گران نتیجه می‌گیرند که عوامل اقلیمی و بوم شناختی بیش از عوامل فردی با بروز قتل عمد به طور مستقیم رابطه دارند.

- حاجی زاده میمندی، (۱۳۹۱) در استان یزد به بررسی آماری وضعیت قتل پرداخته است. تحلیل‌های این پژوهش نشان می‌دهد که علل و انگیزه‌های قتل در استان یاد شده به ترتیب عبارتند از: مسائل منکراتی و اخلاقی، مسائل خانوادگی، سرقت، اختلافات مالی و ملکی، نزاع دسته جمعی، مصرف مواد مخدر و بیماری روانی. در میان موارد فوق، مسائل اخلاقی و خانوادگی علل بیش از نیمی از قتل‌ها در استان یزد می‌باشد.

ملوی و دیگران (۲۰۰۴) در یک پژوهش مقایسه‌ای به بررسی تفاوت‌های دو گروه از قاتلان جوان و بزرگسال مرتکب قتل عام در شمال آمریکا پرداخته‌اند. یافته‌ها شدت اختلافات روانپزشکی و همچنین علائم شخصیت منزوی و برونریز را تایید می‌کند. عوامل زمینه ساز در میان جوانان عبارت است از شیفتگی نسبت به اسلحه و جنگ، و در میان اغلب بزرگسالان رشد یک ذهنیت جنگجو حضور دارد. عوامل تسریع کننده نشان دهنده یک نفی یا خسران بزرگ در ساعت یا روزهای قبل از قتل عام است.

پژوهش دیگری (مسینگ و هرین، ۲۰۰۴) به بررسی زنانی پرداخته که در سال‌های ۱۹۹۳ تا ۲۰۰۱ در آمریکا مرتکب دو یا چند قتل طی یک عمل مجرمانه شده‌اند. در ۳۲ مورد قتل عام، در برخی خصوصیات مشابهت‌هایی با قتل عام توسط مردان وجود داشت و در برخی جهات متفاوت. قتل‌های زنان، بطور بسیار معناداری، کاملاً برنامه‌ریزی شده بودند و

قربانیان عمدتاً فرزندان خود زنان بودند. موارد تحت مطالعه، بر حسب خصیصه‌های اجتماعی مجرمان و ارتباط شان با قربانیان و شیوه قتل بررسی شده‌اند.

داده‌های قتل عام یک دوره چهل و چهار ساله (۲۰۱۳-۱۹۷۰) در آمریکا نشان می‌دهد که:

- در دهه ۱۹۷۰ بطور میانگین در هر سال، یک (۱.۱) حادثه قتل عام (۵.۵ کشته و ۲ زخمی در هر رویداد)

- در دهه ۱۹۸۰ بطور میانگین در هر سال ۳ (۷.۲) قتل عام (۱.۶ کشته و ۳.۵ زخمی در هر رویداد)

- در دهه ۱۹۹۰ بطور میانگین در هر سال ۴ مورد قتل عام (۶.۵ کشته و ۵.۵ زخمی در هر رویداد)

- در دهه ۲۰۰۰ بطور میانگین در هر سال ۴ (۱.۴) مورد قتل عام (۴.۶ کشته و ۴ زخمی در هر رویداد)

- طی سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۳ بطور میانگین ۵.۴ قتل عام در سال (۴.۷ کشته و ۳.۶ زخمی در هر رویداد)

داده‌ها نشان می‌دهد که طی دو دهه ۷۰ و هشتاد قتل عام رشد داشته و در دهه‌های ۹۰ و ۲۰۰۰ و سال‌های اولیه دهه ۲۰۱۰ با شیب کمتری تداوم پیدا می‌کند. (کروس و ریچاردسون، ۲۰۱۵)

بررسی ادبیات تحقیق در حوزه قتل در ایران نشان می‌دهد که محور تمرکز این پژوهش‌ها بیشتر روی قتل بطور کلی است و پژوهشی در حوزه قتل‌های گروهی یا قتل عام صورت نگرفته است اگرچه در برخی موارد قتل‌های سریالی بررسی شده است. همچنین بررسی ادبیات خارجی در حوزه قتل عام نشان می‌دهد مطالعات جامعی در این زمینه در کشورهای مختلف صورت گرفته است. مطالعات یاد شده هم در رشته‌های علمی مختلف

انجام شده و هم به شکل مقطعی و طولی به بررسی قتل عام پرداخته‌اند. گاهی روندهای یکصد ساله از این نوع قتل مورد کندوکاو واقع شده که اطلاعات ارزشمندی دربردارد. بنظر می‌رسد در این زمینه در جامعه ایران نیاز به مطالعات موردی، مقطعی و طولی بسیار ضروری بنظر می‌رسد.

### مبانی نظری

**نظریه توقع و انتظار:** به استناد نظریه توقع و انتظار، یک نفر درشرایطی که امکان انتخاب داشته باشد، گزینه‌هایی را انتخاب می‌کند که به تصور خودش خودش بهترین نتایج را به دنبال داشته باشد. این نظریه براین باوراست که انگیزه برای انجام یک کار، بر فهم رابطه‌ی بین انجام کار، تلاش لازم برای آن، توقع مطلوب بودن نتیجه نسبت به تلاش انجام شده و سطوح مختلف کار مبتنی است (وروم). توقع و انتظار یعنی این که فرد در برابر مقدار معینی از تلاش به سطح مشخصی از انجام کار دست خواهد یافت. وسیله بودن یعنی این باور که عامل بانجام هر مقدار از کار به پاداش متناسب به آن خواهد رسید و ارزش یعنی مقدار اهمیتی که فرد برای سطوح مختلف کار قائل است. برای این که انگیزه بالا باشد فرد باید دنبال خروجی بالاتری باشد. اگرچه نظریه توقع و انتظار نظریه پیچیده‌ای است ولی یکی از جامع‌ترین الگوها را برای توضیح یا پیش بینی رفتار با وظیفه ارائه می‌دهد (وروم، ۱۹۶۴).

عناصر و عواملی که توقع انسان را تحت تأثیر قرار می‌دهند عبارتند از: توانایی‌های شخصی (توانمندی‌ها)، خصوصیات (ویژگی‌های شخصیتی) و برداشت شخصی فرد نسبت به نقش خود (تجارب فردی و تعامل با دیگران). عناصری که روی عوامل جانبی تأثیر می‌گذارند شامل دل خوشی‌های بیرونی و دل خوشی درونی (رضایت فردی) می‌باشد. به استناد نظریه تلفیقی توقع و انتظار، رضایت فردی به مقایسه بین دل خوشی‌هایی که فرد

دریافت داشته است با دل خوشی‌هایی که بنابه تصور خودش باید دریافت می‌کرده است، بستگی دارد. تصور رفتار غیرمنصفانه، تعهد و بهره‌وری فرد را می‌کاهد.

**رویکرد سیکوژنیک:** در این رویکرد نیز حداقل دو نظریه در مورد قتل نفس از طرفداران بیشتری برخوردار است. یکی «نظریه روان کاوی» و دیگری «نظریه روانشناسی ناکامی - پرخاشگری» برطبق نظریه روان کاوی، روان شناسان شامل سه جزء متفاوت است: اید، ایگو و سوپرایگو. (حسینی، هندیانی، رستمی مرادی. ۱۳۸۷: ۲۰)

«اید» را غریزه، «لیبیدو» و یا سائق جنسی مشتمل بر سائق‌های اساسی که با آن متولد می‌شویم نیز گفته اند. به بیان دیگر، اید، سائق ذاتی بشر برای زندگی، لذت بردن، فعالیت جنسی و خوش گذرانی است. اما چنین سائق‌هایی را نمی‌توان بدون یادگیری محقق کرد. از همین رو شیوه‌های بی شماری را آموخته ایم که بتوان به بهترین نحو ممکن زندگی کرده اید و سوپرایگو مدام باهم در نزاع اند، زیرا هر دو به طور مساوی عاطفی و غیرمنطقی اند. این درصدد است شخص از هر نوع خیال پردازی جنسی ارضاشود، اما «سوپرایگو» به هر نوع خیال پردازی جنسی پاسخ منفی می‌دهد.

عدم ارضاء اید، احساس ناراحتی و عدم تبعیت از سوپرایگو، احساس گناه ایجاد می‌کند و فرد دائم بین این دو احساس متضاد روان خود گرفتار است. اما بخش عقلانی یعنی ایگو قادر است نقش واسطه‌ای ایفا کند و به این نزاع خاتمه دهد. از همین رو، تلاش می‌کند راهی بیابد تا بدون سرپیچی از سوپرایگو، اید را نیز راضی نگهدارد و یا کاری کند که بدون ایجاد سرخوردگی و ناراحتی برای اید، از سوپرایگو هم اطاعت شود. اگر ایگو گاهی در این کار خود ناکام بماند، احساس ناراحتی یا گناه چنان بر فرد غلبه خواهد کرد که او را دچار بیماری روانی می‌کند و همین امر ممکن است به کنش‌های خشنی مانند قتل منتهی

شود. از همین رو است که بسیاری از روان شناسان، قتل را به اختلال روانی نسبت می دهند (سروستانی، ۱۳۸۵: ۱۲۹).

از طرف دیگر، اگر والدین خیلی سخت گیری کرده و حتی برای تخلفات کوچک هم بچه ها را تنبیه کنند، چنان سوپرایگو قوی ای در فرد به وجود می آید که سائق پرخاشگری را به کلی سرکوب خواهد کرد. بدون رهاسازی نرمال انرژی پرخاشگری، به تدریج این انرژی ذخیره شده و به نقطه اوج فشار خود می رسد و سوپرایگو را منفجر خواهد کرد. اینکه گاهی کسی که به خوش اخلاقی و خوبی معروف است ناگهان مرتکب قتل شده و خانواده، دوستان و... را متعجب می سازد، توسط همین بخش نظریه تبیین شده که چنین قاتلی بیش از حد تحت کنترل بوده است (تیو، ۲۰۰۱)

#### روش شناسی

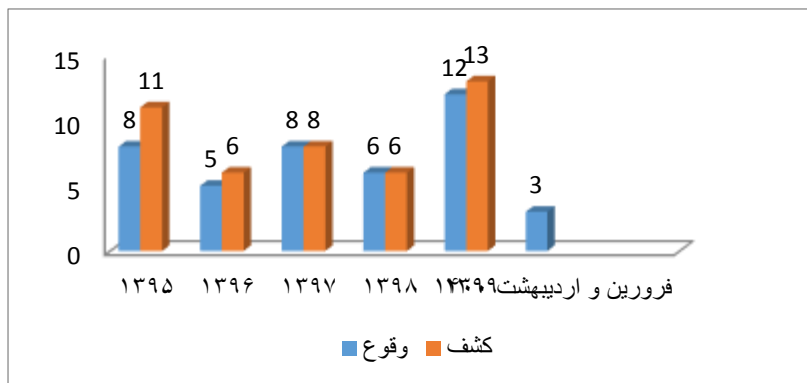
روش به کار رفته در این تحقیق از لحاظ ماهیت کاربردی و از نوع تحقیقات کیفی است. بنابراین، در این پژوهش از روش «پیمایش» به عنوان روش اصلی و از روش «تاریخی» هم عنداللزوم به عنوان روش تکمیلی استفاده شده است.

جامعه آماری مورد مطالعه در این تحقیق بر اساس روش دلفی (۵ تا ۲۰ نفر) تعداد ۶ نفر از کارشناسان و متخصصان شهرستان سیرجان (جامعه شناس، روانشناس، حقوق و کارشناس انتظامی)، به عنوان جامعه آماری این تحقیق در نظر گرفته شده است که کار مصاحبه تا زمان اشباع نظری ادامه یافته است. همچنین سعی شده هم تنوع موجود رعایت شود و هم توان مصاحبه و در دسترس بودن آنها ملاک قرار داده شده است.

ابزار گردآوری داده‌ها در این پژوهش با استفاده از مطالعات کتابخانه‌ای و مراجعه به اسناد و آمار وقوع قتل در شهرستان سیرجان در سال ۱۳۹۹ پرداخته شده است. سپس داده‌های کیفی از طریق مصاحبه نیمه ساختار یافته در حوزه‌های فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی، روانشناختی، انتظامی و سیاسی جمع‌آوری شده‌اند. ابتدا داده‌های کیفی بر اساس مصاحبه انجام می‌پذیرد در محیط ضبط گردد و بعد از اتمام مصاحبه سعی در پیاده‌سازی داده‌ها و گفته‌ها خواهد داشت، در مرحله‌ی بعد این مصاحبه‌ها مطابق با اصول پیاده‌سازی در تحقیق کیفی، پیاده شده و به متن تبدیل خواهند شد. فرایند مستندسازی داده‌ها عمدتاً از سه مرحله تشکیل شده است: ضبط داده‌ها، ویرایش داده‌ها (پیاده‌سازی)، در این تحقیق سعی خواهد نمود هر سه مرحله را متناسب با موضوع تحقیق رعایت نماید و برای کدگذاری داده‌های حاصل از مصاحبه از روش تئوری زمینه‌ای استفاده شده است، که در آن کدگذاری نظری از اولویت اصلی برخوردار است.

### یافته‌های تحقیق

جدول شماره (۱): تعداد وقوع قتل شهرستان سیرجان





جدول شماره (۲): جمعیت شناختی

	کارشناسی	کارشناسی ارشد	دکتری	
	۱	۲	۳	مدرک تحصیلی
کارشناس انتظامی	جزا و جرم شناس	روانشناس	جامعه شناس	تخصص
۱	۱	۳	۱	

برای بررسی دقیق علل موثر بر وقوع قتل در شهرستان سیرجان جهت کسب اطلاعات موجود با تنی چند از مطلعین اجتماعی و مسئولان شهرستان مصاحبه صورت گرفت که در این جامعه آماری در مجموع تعداد شش نفر مشارکت داشتند که از این تعداد ۳ نفر دارای مدرک تحصیلی دکتری و ۲ نفر کارشناسی ارشد و ۱ نفر دارای مدرک تحصیلی کارشناس بودند همچنین سعی شد در این تحقیق از کارشناسان دارای تخصص‌های مختلف جامعه شناسی (۱ نفر)، روانشناس (۳ نفر)، جزا و جرم شناسی (۱ نفر) و کارشناس انتظامی (۱ نفر) استفاده گردید که اهم نتایج مصاحبه و شاخص‌های به دست آمده طبق جداول زیر ارائه می‌گردد.

### تجزیه و تحلیل

به طور کلی ارتکاب به قتل به عنوان یکی از حساس‌ترین و مهم‌ترین نوع انحرافات اجتماعی، از عناصر اساسی حیات انسان هاست. می‌توان اظهار داشت که هرچه میزان توسعه یافتگی یک جامعه بیشتر باشد ضریب نرخ جرم، جنایت و آسیب‌های اجتماعی نیز کاهش می‌یابد. با این وجود به نظر می‌رسد در جامعه امروزی به خصوص در شهرستان سیرجان شاهد قتل‌های ناشی از اختلافات خانوادگی، بیکاری، فقر، اعتیاد، حاشیه نشینی، مشکلات روانی، مشکلات فرهنگی... هستیم و این موضوع بیانگر این واقعیت است که هنوز راهکارهای موثری برای بهبود وضعیت موجود و ریشه کنی کامل چنین جرمی ارائه

نشده است. حال با توجه به مطالب گفته شده در مصاحبه با کارشناسان مربوطه می‌توان به نتایج مطرح شده در خصوص علل به وجود آمدن قتل در شهرستان سیرجان طبق جدول ذیل اشاره نمود.

جدول شماره (۳): مولفه‌های تأثیر گذار در وقوع قتل در

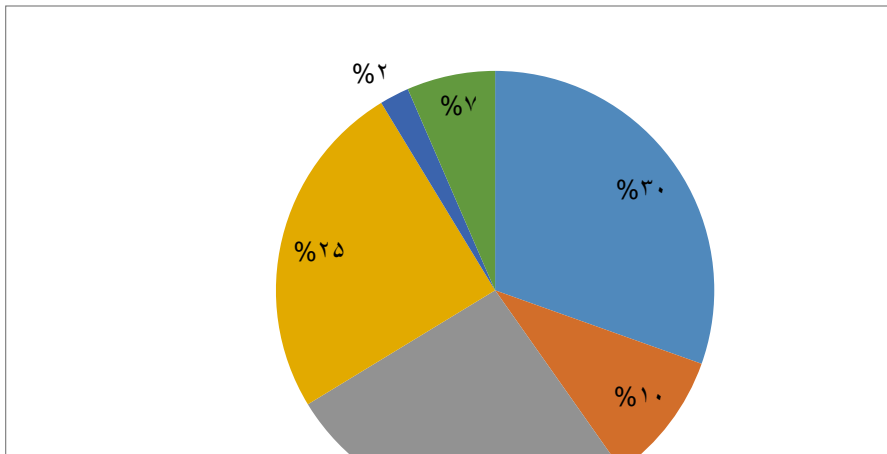
شهرستان سیرجان از منظر کارشناسان

مولفه‌ها	مصادیق مصاحبه	فراوانی	درصد
فرهنگی	فقر فرهنگی خانواده هاوبروز رفتارهایی مانند لات بودن، چاقو به دست گرفتن، آتش زدن، عدم آگاهی والدین، هنجارهای برانگیزاننده اقدام به جرم که در جامعه به شکل کدهای شرافتی وجود داشته است و افراد را به انتقام بر می‌انگیزاند، خشونت‌های خانوادگی، درگیری وزدوخورددر خانواده، ناسازگاری‌های خانوادگی، کینه، نفرت، عدم توانایی خانواده در ایجاد وحدت، افراد خانواده الگوهای مناسبی نداشته‌اند ودر محیط تربیتی خوب بزرگ نشده اند، عدم توانایی حل وفصل اختلافات، سیستم فکری غلط وغیرمنطقی باعث بدآموزی وازبین رفتن حرمت بین اعضای خانواده می‌شود درچنین مواقعی افراد دچار انزجار وتنفیر نسبت به آینده، بدبینی وناتوانی در پذیرش عواطف دیگران می‌شوند وآمادگی لازم را برای ارتکاب جرم پیدا می‌کنند. فقر مدیریتی، استفاده نادرست از شبکه‌های اجتماعی والگو پذیری از آنها، نبود مکان‌های تفریحی، سرایت رفتارهای مشابه در جامعه وتقلید مجرمان از یکدیگر، رواج فرهنگ خشونت، بیسوادی، مردسالاری در خانواده‌ها، تضعیف اعتقادات دینی، ناکامی افراد در مسائل فرهنگی	۲۸	۳۰٪

مؤلفه‌ها	مصادیق مصاحبه	فراوانی	درصد
اقتصادی	<p>نابرابری‌های اقتصادی رابطه مثبتی با قتل دارند یعنی هر چی نابرابری اقتصادی افزایش یابد نرخ قتل افزایش می‌یابد، شکاف طبقاتی و احساس بی‌عدالتی ناشی از آن، فقر، بیکاری، سوء تغذیه، مسکن بی‌کیفیت، تورم، ناکامی افراد در مسائل اقتصادی</p>	۹	۱۰٪
اجتماعی	<p>حاشیه نشینی، هنجارهای برانگیزاننده اقدام به جرم، عدم آگاهی خانواده‌ها، مصرف مواد مخدر و توهم زاه، مصرف مشروبات الکلی، احساس بی‌عدالتی زیاد در جامعه، میل به خودنمایی و دیده شدن، احساس ناامنی در جامعه، خصومت شخصی و حساسیت میان فردی، تضعیف اعتقادات دینی، زندگی در محیط‌های غیربهداشتی و انجام فعالیت‌های غیرقانونی که به عنوان نتیجه‌ای از ناامیدی در کنار ناتوانی برای غلبه بر این شرایط هست احتمال ارتکاب جرم را بالا می‌برد، نداشتن مهارت حل مسئله از عوامل موثر در بروز قتل است. نبود امکانات تفریحی و ورزشی، ناتوانی در برقراری ارتباط، رها شدن زندانیان در جامعه بعد از آزاد شدن، مدیریت‌های رایج جامعه ما بخصوص در مسائل اجتماعی مدیریتی روزمره و به دور از برنامه‌ریزی‌های با اهداف کوتاه مدت، میان مدت و بلند مدت است در صورتی که به دنبال افزایش نرخ یک پدیده اجتماعی مانند قتل باید برنامه‌ریزی منسجم و آینده نگری تدوین کرد. افزایش نرخ بیکاری، تبعیض، استفاده نادرست از شبکه‌های اجتماعی، رواج حمل سلاح‌های سرد و گرم در جامعه، تقلید والگو برداری از یکدیگر در بین جوانان بزهکار، کمبود محبت و حمایت‌های عاطفی هم از جانب خانواده و هم از جانب جامعه، رواج فرهنگ خشونت در جامعه</p>	۲۴	۲۶٪

مؤلفه‌ها	مصادیق مصاحبه	فراوانی	درصد
روانشناختی	احساس طرد شدگی، تعارض یا آسیب‌های ترومایی، اختلال سایکوز، آسیب به قسمت پیش پیشانی می‌تواند از عوامل اولیه یا برانگیزاننده جرم باشد. عامل پر قدرت دیگر کاهش سطح معنای زندگی و نداشتن هدف در زندگی است، میل به خودنمایی و دیده شدن هوش هیجانی پایین افراد که نشان دهنده یک جایگاه هیجانی و رفتارهای قلدر مآبانه است، مصرف مواد توهم زا که باعث می‌شود فرد هوشیاری خود را از دست بدهد و در یک لحظه بر اثر توهمات دست به اقدامی مانند قتل بزند. یا در مواردی مصرف مواد را به عنوان حل مسئله به کار میگیرند، علاوه بر موارد فوق قطعا مهم‌ترین و تأثیرگذارترین عامل عدم کنترل خشم و عصبانیت است، طبق بررسی‌های صورت گرفته بیشتر افرادی که اقدام به قتل می‌کنند دارای مشکلات روانی از قبیل افسردگی شدید، اضطراب، بدبینی و تنفر، خودآگاهی ضعیف، عزت نفس پایین، ناتوانی در پذیرش عواطف دیگران، اختلال دوقطبی، رفتارهای تکانه‌ای و آستانه تحمل پایین و دچار شخصیت ضد اجتماعی هستند که در کنار این عوامل بستر اجتماعی هم کمک می‌کند این عوامل به مرحله ظهور برسند.	۲۳	۲۵٪
انتظامی	اشراف انتظامی بر مجرمین، اجرای احکام قضایی دقیق‌تر و متناسب‌تر نسبت به جرم‌های انجام شده	۲	۲٪
سیاسی	در حوزه سیاسی میزان وقوع قتل و ناامنی در یک منطقه باعث می‌شود که آن شهرستان از لحاظ نقاط بروز جرم و جنایت جزء نقاط قرمز و پر خطر قرار گیرد و این مانع از حضور سرمایه‌گذار، توریست و... در این مناطق شود، ناکامی افراد در مسائل سیاسی، احساس بی‌عدالتی، عدم مدیریت، تبعیض،	۶	۷٪
جمع کل		۶۸	۱۰۰٪

نمودار شماره (۱): درصد مولفه‌های تأثیر گذار بر علل قتل از منظر کارشناسان



با نگاه مختصری به نمودار مقایسه‌ای و بررسی مولفه‌ها از منظر کارشناسان مشخص می‌شود که بیشترین علت گسترش این پدیده مربوط به بعد فرهنگی با ۳۰٪ درصد و کمترین آن ۲٪ درصد مربوط به مولفه انتظامی می‌باشد.

بررسی نقاط ضعف، قوت، فرصت و تهدید (SWOT) شهرستان سیرجان در عوامل

### وقوع و پیشگیری از قتل

#### نقاط ضعف

۱. عدم آگاهسازی از پیامد آسیب‌های اجتماعی سوءمصرف مواد مخدر و مشروبات الکلی در مناطق آسیب‌پذیر شهرستان
۲. ضعف نظارت بر تولید و کیفیت کالاهای فرهنگی و رسانه‌های جمعی؛
۳. عدم آموزش و پرورش مسئولانه و ضعف نظارتی دقیق آموزش بر روند تحصیل دانش آموزان؛
۴. ضعف فرهنگ سازی در بین اقشار مختلف جامعه در رابطه با افزایش سطح تحمل و داشتن روحیه گذشت.

### نقاط قوت

۱. تقویت مددکاری و مشاوره در مراکز دولتی؛
۲. وجود واحدهای مطالعاتی و تحقیقاتی گسترده‌تر در نیروی انتظامی؛

### فرصت‌ها

۱. آموزش از طریق رسانه‌ها جهت ارتقاء سلامت خانواده‌ها به دلیل وجود قتل‌های خانوادگی؛
۲. کاهش ایجاد حاشیه نشینی؛
۳. تشکیل نهادهای مردمی و تدریس مهارت کنترل خشم در زندگی بین محلات شهر به خصوص محلات پرخطر شناسایی شده؛
۴. حمایت دستگاه‌ها از خانواده‌های که دارای بنیه ضعیف اقتصادی و فرهنگی هستند؛
۵. بهبود فرصت‌های اقتصادی؛
۶. توانبخشی زندانیان و زندانیان آزاد شده.

### تهدیدات

۱. کاهش بهداشت روحی روانی و احساس امنیت شهروندان؛
۲. رواج بی‌بندوباری و لاپرواہی گری در جامعه؛
۳. احتمال ارتکاب به جرم و تکرار آن؛
۴. افزایش هزینه‌های کنترل و نظارت اجتماعی؛
۵. افزایش افراد بزهکار در جامعه؛
۶. حمل سلاح‌های سرد و گرم توسط افراد جامعه؛
۷. افزایش اعمال کج‌روانه مانند نزاع و درگیری، سرقت، شرارت‌های خیابانی در جامعه؛

۸. شیوع خانواده‌های بی‌سرپرست؛
۹. افزایش تضاد و تنش در روابط بین افراد؛
۱۰. رواج فرهنگ خشونت در جامعه؛
۱۱. فروپاشی خانواده و تبعات ناشی از آن؛
۱۲. پایمال شدن حقوق شهروندی؛
۱۳. بروز مشکلات اقتصادی در خانواده مقتول.

### بحث و نتیجه گیری

قتل یکی از جدی‌ترین انواع جرایم خشن است که خسارت‌های جبران‌ناپذیری را بر قاتل، قربانی خانواده‌ها و اعضای اجتماع محلی وارد و احساس امنیت اجتماعی را خدشه دار می‌سازد. نتایج نشان می‌دهد که در فهم قتل باید به تعاقب رفتارهای ضد اجتماعی و ریسک فاکتورهایی که در سطح فردی، خانوادگی، محلی و جامعه‌وی در طول زمان بر سبک زندگی اثر گذاشته اند، توجه کرد و این مسئله را در نظر گرفت که چگونه رفتار انحرافی از سنین پایین توسعه می‌یابد و در طول زندگی به چیزهای دیگر تبدیل می‌شود. با توجه به پیچیدگی قتل، هر محقق سعی دارد با تکیه بر ترجیحات نظری خود، چارچوبی مفهومی را برای توضیح قتل فراهم سازد. برای مثال نظریه انتخاب عقلانی بر آن است تا جرم را به عنوان عملی عقلانی تفسیر کند که ملهم از فرصت‌ها و فقدان کنترل است جرم‌شناسی فرهنگی بر لذت خلق آسیب‌ها و فریفتگی جرم تأکید دارد و بر جنبه‌های ابرازی و نقش عواطف و هیجان در جرم اشاره می‌کند، در این دیدگاه جرم شیوه‌ای است برای غلبه بر یکنواختی و به نظر می‌رسد که افراد به وسیله لذت‌های وجودی اعمال انحرافی فریفته می‌شوند. از آنجا که موجودیتی یکپارچه و یک شکل به اسم جرم یا قتل وجود ندارد قتل یک برساخت اجتماعی است چون گاهی اوقات

مشروعیت و مقبولیت می‌یابد، برای مثال می‌توان به کشتن در جنگ و یا به اعدام قاتل اشاره کرد. بیشتر قتل‌ها در کنش و واکنش‌های یک یا چند نفر که یکدیگر را می‌شناسند، رشد می‌کنند و گاهی اوقات منازعات مسلط بین افراد باعث شکل‌گیری قتل می‌شود. تحلیل کیفی قتل‌های مشخص و متمایز، نکته مهمی را برجسته می‌سازد و آن تضاد بین افراد متفاوت در موقعیت‌های متفاوت و در زمان‌های متفاوت است.

بر اساس نظریه یادگیری اجتماعی، رفتارهای افراد در اثر همنشینی با افراد جامعه آموخته می‌شود. این دیدگاه به نقش خانواده و همسالان در ارتکاب خشونت اشاره دارد. باندورا مدعی است که اغلب رفتارهای انسان از طریق مشاهده و در خالل فرایند الگوسازی فراگرفته می‌شود. برگس و اکرس نیز یادگیری رفتار کجروانه را عمدتاً از طریق فرایندهای تقویت و مکانیسم آن، یعنی تشویق و تنبیه مورد توجه قرار می‌دهند و معتقدند که ادامه یا تقویت هر نوع رفتاری به تشویق و مجازات بستگی دارد. تشویق موجب ادامه رفتار انحرافی، همچون سایر رفتارهای اجتماعی در اثر آمیزش با دیگران می‌شود (رئیس، ۱۳۸۲: ۱۴۱)؛ همچنین محیط خانواده و تجربه‌های نخستین فرد در مدرسه را از مهم‌ترین عوامل اجتماعی مؤثر در رفتارهای کجرو به حساب می‌آورند (سلیمی، ۱۳۸۶: ۴۱۱). عوامل مختلفی در ارتکاب به رفتار نابهنجار و به تبع آن قتل می‌توانند دخیل باشند، از جمله: عوامل فردی (سن، جنس و وضع فیزیکی و ژنتیکی) عوامل روانی (حساسیت، ترس، کم‌هوشی، پرخاشگری و مشکلات روانی) عوامل محیطی (اوضاع جغرافیایی، آب و هوا، رطوبت و ارتفاع) و مهم‌تر از همه عوامل اقتصادی - اجتماعی (فقر، ثروت، خانواده، فرهنگ)

مرتن معتقد است، وقتی افراد ابزارهای مشروع برای رسیدن به اهداف نداشته باشند، احساس فشار می‌کنند و در نتیجه ممکن است راه‌های غیرقانونی و نامشروع را برای



رسیدن به اهداف برگزینند و در واقع به جرم و بزهکاری متوسل شوند از این رو، ارتکاب جرم نتیجه مستقیم حالت منفی مؤثر، از قبیل عصبانیت، ناکامی، ناامیدی و ترس است که این عوامل خود نتیجه شکست در دستیابی به اهداف، گسست بین انتظارات و دستاوردها، حذف محرک مثبت و وارد کردن محرک منفی و ناخوشایند می‌باشد. با توجه به نظریه فشار می‌توان چنین تصور کرد که پایگاه اقتصادی اجتماعی پایین افراد. عملکرد پایین و ناکامی در ارتکاب به قتل تأثیر دارد. همانگونه که نظریه منابع بر محرومیت اقتصادی- اجتماعی افراد جامعه به عنوان محرکی در جهت یادگیری رفتار خشونت آمیز صحنه گذاشته است (احمدی، ۱۳۸۴: ۲۲۷). کندی و همکاران نیز بر نظریه‌های نابرابری اجتماعی و تأثیر آن بر خصایل پایگاهی تأکید دارند. نابرابری در توزیع پاداش، کنترل اجتماعی را بی ثبات می‌سازد و روابط بین افراد را سست می‌کند. این امر سرانجام منجر به خشونت فزاینده و در مواردی منجر به قتل می‌شود (یوسفی و همکاران؛ ۱۳۸۹: ۳۴) از دیدگاه فارلی، جرم خود انعکاس خشونت خانوادگی است؛ چراکه در برخی جوامع مسائل فرهنگی موجب می‌شود افرادی که مورد سوء استفاده قرار گرفته اند، فرار از منزل را تنها راه ممکن ببینند و در نهایت، فرار موجب سوق دادن آن‌ها به سمت جرایم خشن (قتل عمد، ضرب و جرح و تخریب) می‌گردد (ایرس، ۱۳۹۱: ۵۹)؛ بنابراین ارتکاب به قتل جزو مسائل اجتماعی حاد به شمار می‌رود که در تمام مناطق جغرافیایی و در میان تمام گروه‌های دینی، نژادی و در تمام سطوح تحصیلی، شغلی، اقتصادی و اجتماعی مشاهده می‌شود. گزارش‌های رسانه‌ها و نتایج پژوهش‌های مختلف در اکثر کشورهای دنیا نشان می‌دهد که مهم‌ترین عوامل تأثیر گذار وقوع قتل در شهرستان سیرجان نشان می‌دهد که بیشترین علت گسترش این پدیده مربوط به بعد فرهنگی با ۳۰٪

درصد و کمترین آن ۲٪ درصد مربوط به مولفه انتظامی می‌باشد. همچنین ۱. عدم آگاهسازی از پیامد آسیب‌های اجتماعی سوء مصرف مواد مخدر و مشروبات الکلی در مناطق آسیب‌پذیر شهرستان؛ ۲. ضعف نظارت بر تولید و کیفیت کالاهای فرهنگی و رسانه‌های جمعی؛ ۳. عدم آموزش و پرورش مسئولانه و ضعف نظارتی دقیق آموزش بر روند تحصیل دانش آموزان؛ ۴. ضعف فرهنگ سازی در بین اقشار مختلف جامعه در رابطه با افزایش سطح تحمل و داشتن روحیه گذشت از مهمترین عوامل تأثیری گذار می‌باشد. که نتایج این تحقیق با تحقیقات دیگری که چه در داخل و خارج انجام شده همسو است که می‌توان مهم‌ترین این عوامل را از منظر تحقیقات دیگر: ۱. نا آگاهی از شیوه‌ای نامناسب تربیتی و تأثیر سوء آن بر فرزندان؛ ۲. آثار تهدید و فحاشی و الفاظ رکیک؛ ۳. احساس و تقویت انتقام جویی؛ ۴. ضعف در مهارت‌های زندگی؛ ۵. ضعف توجه مسئولین به انجام اقدامات فرهنگی اجتماعی؛ ۶. شکاف طبقاتی و احساس بی‌عدالتی؛ ۷. هوش هیجانی پایین فرد؛ ۸. جرم خیز بودن منطقه دانست.

پدیده قتل و جرم را نمی‌توان با عوامل روانی و جسمانی افراد توجیه نمود؛ زیرا این عوامل نقش چندانی در بزه کاری افراد نداشته بلکه عوامل اجتماعی از قبیل شرایط نامناسب خانواده، کمبود محبت، طلاق، بیکاری، مهاجرت، ضعف اعتقادات و باورهای دینی، وضع بد اقتصادی خانواده و... است که نقش تعیین کننده‌ای در اعمال مجرمانه افراد دارد. با توجه به اینکه در سال‌های اخیر خشونت و پرخاشگری به یکی از مسائل اجتماعی مهم تبدیل شده است، افراد و گروه‌های زیادی به دلایل و بهانه‌های گوناگون با درگیر شدن در فرآیندهای خشونت آمیز، آسیب‌های فراوانی را به خود و دیگران وارد می‌کنند. و گرچه شاید وقوع قتل در نگاه اول برای خانواده قاتل یک مصیبت قلمداد نگردیده و تنها خانواده مقتول را در یک مصیبت و ماتم قرار می‌دهد ولی واقعیت امر نشان می‌دهد که خانواده قاتل

در یک مخمصه گرفتار شده‌اند که تبعات منفی به مراتب بالاتر از یک قتل برای آن‌ها در پیش خواهد داشت. از این رو این پدیده باعث افتراق اجتماعی و به دنبال آن، عدم مشارکت در زمینه‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی. روانشناختی و در نهایت کاهش میزان تعامل اجتماعی در بین مردم می‌شود که خود می‌تواند عامل تبدیل همبستگی اجتماعی به گسست اجتماعی شود؛ لذا در این راستا اعتبارات خاصی باید در نظر گرفته شود و برای انجام کار باید علاوه بر مسئولین انتظامی از موسسات مردم نهاد، جامعه شناسان، روانشناسان، آموزش و پرورش بهره گرفت تا کار با سلامت بیشتر و درعین حال با درگیر کردن و مشارکت دادن مردم، بهتر و سریع‌تر به نتیجه برسد.

### پیشنهادات

۱. ایجاد اشتغال و درآمد کافی برای همه افراد جامعه؛
۲. مبارزه با بی‌سوادی و فقر؛
۳. تقویت برنامه‌های فرهنگی و دینی؛
۴. آموزش روش‌های کنترل ناکامی و آموزش مهارت‌های اساسی زندگی به خانواده‌ها برای تعاملات سالم و پرهیز از خشونت‌ها؛
۵. فراهم نمودن بسترهای لازم برای مشارکت و تعامل جوانان با مسئولین نهادهای مختلف برای افزایش تعلق خاطر، وفاداری و احساس مسئولیت؛
۶. آموزش از طریق رسانه‌ها در راستای اطلاع رسانی و آگاه سازی جامعه؛
۷. آموزش افراد ضمن فراگیری مهارت‌های زندگی آستانه تحمل خود را بالا برده و قبل از ارتکاب رفتارهای نا بهنجار به عواقب آن فکر کنند؛
۸. توجه به نیازهای روانی و فیزیولوژیکی مجرمان در درون نهاد خانواده و اجتماع و هدایت و کنترل آن؛

۹. به کار گیری سبک تربیتی مناسب در خانواده‌ها توسط والدین در جهت تأمین سلامت معنوی در کنار سلامت جسمی، روانی و اجتماعی؛
۱۰. شناسایی افراد پرخطر در محلات و مناطق مختلف شهری و انجام مداخلات اجتماعی و انتظامی؛
۱۱. کنترل، کشف و ضبط مواد مخدر در سطح جامعه؛
۱۲. برخورد جدی با حاملین سلاح‌های سرد و گرم.

## منابع

- قرآن

- احمدی، حبیب. (۱۳۸۴)؛ جامعه شناسی انحرافات، تهران: سمت
- افتخاری، علی، قربانی، مظاهر و قره داغی، جابر (۱۳۸۴)؛ «بررسی روش‌ها و انگیزه‌های مختلف قتل در تهران بزرگ و عوامل مرتبط با آن از اول مهر ۱۳۸۲ تا آخر شهریور ۱۳۸۳» پزشکی قانونی، دوره ۱۱، شماره ۴، صص: ۱۷۹-۱۸۴.
- بوستانی، داریوش. (۱۳۹۸)؛ بررسی کیفی پدیده قتل دسته جمعی فهرج، طرح تحقیقاتی دفتر تحقیقات کاربردی فرماندهی انتظامی استان کرمان.
- توفیقی زواره حسن، خاتمی زنوزیان آزیتا، فتحی سهراب، سیف فرشید مهران، خاتمی زنوزیان آرزو. (۱۳۸۲)؛ «مطالعه برخی خصوصیات قتل در مرتکبین قتل مبتلا به اختلالات روانی معاینه شده در بخش روانپزشکی در سازمان پزشکی قانونی کشور از ۱۳۷۴ تا ۱۳۷۶» مجله علمی پزشکی قانونی: بهار ۱۳۸۲، دوره ۹، شماره ۲۹؛ صص: ۱۲-۱۷
- حاجی زاده میمندی، مسعود. (۱۳۹۱)؛ تحلیل آماری قتل در استان یزد با تاکید بر شهرستان یزد در سال‌های ۱۳۸۸-۱۳۸۵، دوفصلنامه پلیس زن، سال ششم، شماره شانزدهم، بهار و تابستان، صص: ۱۰۲-۸۴.
- رئیسی، جلال. (۱۳۸۲)؛ جوانان و ناهنجاری رفتاری، فصلنامه علوم اجتماعی علامه طباطبایی، شماره ۲
- رفیع پور، فرامرز. (۱۳۸۰)؛ آناتومی جامعه، مقدمه‌ای بر جامعه شناسی کاربردی، تهران: شرکت سهامی انتشار
- دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۳)؛ لغت نامه زیر نظر محمد معین و سید جعفر شهیدی. نشر، تهران: موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.

- سلیمی، علی و محمد داوری. (۱۳۸۶)؛ جامعه شناسی کجروی، قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه

- لیبی، محمدمهدی. (۱۳۸۷)؛ جامعه‌شناسی جرائم خشن ناشر: نشر افکار

- صدیق سروسستانی، رحمت الله. (۱۳۸۷)؛ آسیب‌شناسی اجتماعی (جامعه شناسی انحرافات)، تهران: سمت

- عبدالرحمانی، رضا و چگینی، علی. (۱۳۹۴)؛ «تحلیل جامعه‌شناختی قتل‌های سریالی زنان»، فصلنامه پژوهش‌های اطلاعاتی و جنایی، سال دهم، شماره اول، بهار، صص: ۱۰۴-۷۹.

- نجفی ابرندآبادی، حسین علی، جعفری زاده، فتاح، و هادی تبار، اسماعیل. (۱۳۹۴)؛ «مطالعه انگیزه‌های مختلف قتل و عوامل مرتبط با آن در استان فارس از اول فروردین سال ۱۳۸۱ تا آخر اسفند سال ۱۳۹۰»؛ مجله پزشکی قانونی ایران، دوره ۲۱، شماره ۳، پاییز، صص: ۱۸۹-۱۹۷

- نجفی توانا، علی. (۱۳۸۶)؛ نابهنجاری و بزهکاری اطفال و نوجوانان و نظریه‌های انحراف اجتماعی، تهران: نشر علم

- نوکنده ای، عزیز. (۱۳۹۲)؛ تحلیل حقوقی قتل عمد با تاکید بر رویه قضایی و دکتترین، نشر دانش نگار.

- نصیری، نوید، خلیلی، مجتبی، رحیمی، حسن، و مولوی، حسین. (۱۳۹۲)؛ بررسی رابطه عوامل فردی، اقلیمی و بوم شناختی با جرم قتل در استان اصفهان، مجله پزشکی قانونی، زمستان و بهار، صص: ۱۷۵-۱۸۳

- یوسفوند، حسن رضا، احمدی، یعقوب، محسنی تبریزی، علیرضا، ابوالحسنی، اصغر. (۱۳۹۳): «تبیین رابطه جرایم خشونت آمیز (قتل) با تأکید بر نابرابری در توسعه اجتماعی اقتصادی در ایران»، فصلنامه توسعه اجتماعی، دوره ۹، شماره ۳، بهار، صص: ۱۱۵-۱۴۰.
- Carcach, C., Mouzos, J., & Grabosky, P. (۲۰۰۲). The mass murder as quasi-experiment: The impact of the ۱۹۹۶ Port Arthur massacre. *Homicide Studies*, ۶(۲), ۱۰۹-۱۲۷.
- DeLisi, M., & Walters, G. D. (۲۰۱۱). Multiple homicide as a function of prisonization and concurrent instrumental violence: testing an interactive model—a research note. *Crime & Delinquency*, ۵۷(۱), ۱۴۷-۱۶۱.
- Meloy, J. R., Hempel, A. G., Gray, B. T., Mohandie, K., Shiva, A., & Richards, T. C. (۲۰۰۴). A comparative analysis of North American adolescent and adult mass murderers. *Behavioral Sciences & the Law*, ۲۲(۳), ۲۹۱-۳۰۹.
- Messing, J. T., & Heeren, J. W. (۲۰۰۴). Another side of multiple murder: Women killers in the domestic context. *Homicide Studies*, ۸(۲), ۱۲۳-۱۵۸.
- Sills, D. L. (۱۹۶۸). *International encyclopedia of the social sciences*.